



# مای درس

گروه آموزشی عصر

الدرس الرابع (درس چهارم)

\* ترجمه متن: الصبر مفتاح الفرج

وَقَعَتْ هَذِهِ الْحِكَايَةُ قَبْلَ أَرْبَعِينَ سَنَةً فِي بِلَادِ؛ اَيْنَ حِكَايَتِ چهل سال پيش در كَشُورِي اِتِّفَاقِ افتاده است؛

ذَهَبَ اثْنَا عَشَرَ طَالِبًا مِنْ طُلَّابِ الْجَامِعَةِ مَعَ أُسْتَاذِهِمْ إِلَى سَفَرَةٍ عِلْمِيَّةٍ لِتَهْيِئَةِ أبحاثٍ عَنِ السَّمَكَ؛ دوازده دانشجو از دانشجویان دانشگاه همراه استادشان برای تهیة پژوهش هایی درباره ماهی ها به گردش علمی رفتند.

كَانَتْ مِيَاهُ الْبَحْرِ هَادِيَةً؛ فَجَاءَتْ ظَهَرَ سَحَابٍ فِي السَّمَاءِ؛ ثُمَّ عَصَفَتْ رِيَّاحٌ شَدِيدَةٌ وَصَارَ الْبَحْرُ مَوَاجًا. آب های دریا آرام بود؛ ناگهان ابری در آسمان ظاهر شد؛ پس بادهای شدیدی (وزید) وزیدند و دریا توفانی شد.



فَأَصَابَتْ سَفِينَتُهُمْ صَخْرَةٌ؛ فَخَافُوا؛ السَّفِينَةُ انْكَسَرَتْ قَلِيلاً وَلَكِنَّهَا مَا غَرِقَتْ؛ كَشَيْشَانِ بِه تَخْتِه سَنَكِي بِرَخُورِدِ كَرْدِ كَشْتِي كَمِي شَكْسَتْ، وَلِي غَرَقِ نَشْد؛

عِنْدَمَا وَصَلُوا إِلَى جَزِيرَةٍ مَجْهُولَةٍ، فَرِحُوا كَثِيراً وَشَكَرُوا رَبَّهُمْ وَنَزَلُوا فِيهَا؛ وَتَمَّتْ كِه بِه جَزِيرِه اِي نَاشِنَاخْتِه رَسِيدِنْد، بَسِيَارِ خُوشْحَالِ شَدِنْد وَ پَرُورِدِ گَارِشَانِ رَا شَكْرِ كَرْدِنْد وَ دَرِ اَنِ پِيَادِه شَدِنْد.

مَضَى يَوْمَانِ؛ فَمَا وَجَدُوا أَحَدًا فِي الْجَزِيرَةِ وَ مَا جَاءَ أَحَدٌ لِنَجَاتِهِمْ؛ قَالَ لَهُمُ الْأَسْتَاذُ: دُو رُوزِ گِذْشْتِ وَ كَسِي رَا دَرِ جَزِيرِه پِيَادِه نَكَرْدِنْد وَ كَسِي بَرَايِ نَجَاتِشَانِ نِيَامِد؛ اسْتَاذِشَانِ بِه اَنِهَا گِفت:

«يَا شَبَابُ، عَلَيْكُمْ بِالْمُحَاوَلَةِ. اسْمَعُوا كَلَامِي وَ اعْمَلُوا بِه كَأَنَّهُ مَا حَدَّثَ شَيْءٌ. عَلَيْكُمْ بِمُواصَلَةِ أَبْحَاثِكُمْ» «اِي جَوَانَانِ، بَايْدِ تَلَاشِ كَنِيد. سَخْنِمِ رَا گُوشِ كَنِيد وَ بِه اَنِ عَمَلِ كَنِيد؛ گُويَا چِيْزِي نَشْدِه اسْت. (اتْفَاقِ نِيْفْتَاذِه اسْت). بَايْدِ تَحْقِيقَاتَتَانِ رَا اِدَامِه دِهِيْد.

ثُمَّ قَسَمَهُمْ إِلَى أَرْبَعَةِ أَفْرَقَةٍ وَ قَالَ لِلْفَرِيقِ الْأَوَّلِ: «يَا طَلَابُ، ابْحَثُوا عَن صَيْدٍ وَ اجْمَعُوا الْخُطْبَ. سَبِيسِ اَنِهَا رَا بِه چِهَارِ گُروه (تِيْم) تَقْسِيْمِ كَرْدِ وَ بِه گُروهِ اوَّلِ گِفت: «اِي دَانِشْجُويَانِ، دَنِبَالِ صَيْدِي بَگَرْدِيْدِ وَ هِيْزِمِ جَمْعِ كَنِيد» وَ قَالَ لِلْفَرِيقِ الثَّانِي: «يَا طَالِبَانِ، اجْلِبَا بَعْضَ الْأَشْيَاءِ الضَّرُورِيَّةِ مِنَ السَّفِينَةِ.» وَ بِه گُروهِ دُومِ گِفت: «اِي دَانِشْجُوهَا مَقْدَارِي اَشْيَايِ ضَرْوَرِي اَزِ كَشْتِي بِيَاوَرِيْد.

وَ قَالَ لِلْفَرِيقِ الثَّلَاثِ: «يَا طَالِبَاتُ، أُطْبِخْنَ لَنَا طَعَامًا.» وَ بِه تِيْمِ سُومِ گِفت: «اِي دَخْتِرَانِ دَانِشْجُو، غِذَايِي بَرَايْمَانِ بِيْزِيْد.» وَ قَالَ لِلْفَرِيقِ الرَّابِعِ: «يَا طَالِبَتَانِ، ابْحَثَا عَن مَوَادِّ غِذَائِيَّةٍ. وَ بِه گُروهِ چِهَارْمِ گِفت: اِي دُو دَانِشْجُو دَنِبَالِ مَوَادِّ غِذَائِي بَگَرْدِيْدِ (دَر بَارِه مَوَادِّ غِذَائِي جَسْتَجُو كَنِيد)

ثُمَّ قَالَ لِجَمِيعِ: «اصْبِرُوا؛ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» «مَضَى أُسْبُوعٌ. سَبِيسِ بِه هَمْگِي گِفت: «صَبِرِ كَنِيد؛ قَطْعًا خُدا بَا صَبِرِ كَنْدِگَانِ اسْت. هَفْتِه اِي گِذْشْتِ.

فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ نَزَلَ مَطَرٌ شَدِيدٌ وَ أَصَابَتْ صَاعِقَةٌ سَفِينَتَهُمْ فَاخْتَرَقَتْ. دَرِ رُوزِي اَزِ رُوزِهَا بَارَانِ شَدِيدِي بَارِيْدِ (نَاذَلِ شَد) وَ صَاعِقِه اِي بِه كَشْتِيشَانِ بِرَخُورِدِ كَرْدِ وَ كَشْتِي اَتَشِ گِفت.

قَالَ الطَّلَابُ: «لَا رَجَاءَ لِنَجَاتِنَا.» فَقَرَأَ الْأَسْتَاذُ هَذِهِ الْآيَةَ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا». دَانِشْجُوهَا گِفتِنْد: «هِيْجِ اَمِيْدِي بِه نَجَاتِمَانِ نِيْسْت. پَسِ اسْتَاذِ اِيْنِ آيِهِ رَا خُوانِد: (اِي كَسَانِي كِه اِيْمَانِ آوَرْدِه اِيْدِ صَبِرِ كَنِيد).

حَزَنَ الطَّلَابُ وَ قَالُوا: «فَقَدْنَا سَفِينَتَنَا.» دَانِشْجُوهَا غَمْگِيْنِ شَدِنْدِ وَ گِفتِنْد: «كَشْتِيْمَانِ رَا اَزِ دَسْتِ دَاوِيْم.»



وَبَعْدَ آدَاءِ الصَّلَاةِ وَالدُّعَاءِ صَرَخَ أَحَدُهُمْ بَغْتَةً: و پس از به جا آوردن نماز و دعا یکی از ایشان ناگهان فریاد زد.  
«أَنْظُرُوا يَا زُمَّلَائِي. أَنْظُرْنَا يَا زَمِيلَاتِي. ای پسران هم کلاسی ام، نگاه کنید. ای دختران هم کلاسی ام نگاه کنید.

تِلْكَ سَفِينَةٌ حَرْبِيَّةٌ تَقْتَرِبُ مِنَّا». آن یک کشتی جنگی است که به ما نزدیک می شود .

السَّفِينَةُ الْحَرْبِيَّةُ اقْتَرَبَتْ مِنْهُمْ وَ نَزَلَ مِنْهَا جُنُودٌ. فَرِحَ الطُّلَابُ وَ سَأَلُوا الْجُنُودَ: «كَيْفَ وَجَدْتُمْ مَكَاتِنَا؟»

کشتی جنگی به آنها نزدیک شد و سربازان از آن پیاده شدند. دانشجویان خوشحال شدند و از سربازان پرسیدند:  
«چگونه جای ما را پیدا کردید؟!»

أَجَابَ الْجُنُودُ: «رَأَيْنَا دُخَانًا مِنْ بَعِيدٍ. فَأَتَيْنَا وَ شَاهَدْنَاكُمْ» سربازان جواب دادند: «دودی را از دور دست دیدیم. پس آمدیم و شما را دیدیم.

**\*درستی یا نادرستی صفحه- ۴۲**

۱- نادرست ۲- درست ۳- نادرست ۴- درست ۵- نادرست

**\*ترجمه تصاویر صفحه- ۴۲** ۱- لطفاً، از اتوبوس پایین بیاید(مذکر) ۲- لطفاً، آنجا بنشینید. ۳- در کتاب دنبال جواب بگردید.(مذکر) ۴- در کتاب دنبال جواب بگردید (مونث)

### بدانیم

در این درس با فعل امر آشنا می شوید. به فرق فعل مضارع و امر توجه کنید.

فعل مضارع		فعل امر	
تَفْعَلُونَ - تَفْعَلْنَ - تَفْعَلَانِ	انجام می دهید	افْعَلُوا - افْعَلْنَ - افْعَلَانِ	انجام بدهید

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

**\* پاسخ ترجمه کنید صفحه- ۴۳** ۱- سخن حق را قبول کن. ۲- تصویر شهید را نقاشی کن. ۳- دست هایتان را قبل از غذا

بشوید. ۴- برای خدا پروردگار جهانیان سجده کن. ۵- نعمت خدا را بر شما یاد کنید. ۶- از هم نشینان بد فرار کنید.

**\* پاسخ تمرین اول صفحه- ۴۴** ۱- الصَّيْنِ: چین ۲- الْمُحَاوَلَةُ: تلاش کردن ۳- الْمَاءُ: آب ۴- الْجَامِعَةُ: دانشگاه

۵- الشَّبَابُ: جوانان ۶- الْأُفْرِقَةُ: تیم ها- گروه ها

**\* پاسخ تمرین دوم صفحه- ۴۴** ۱- ای دوستانم، لطفاً، از کلاس خارج شوید(مذکر) ۲- ای دوستانم، لطفاً، از کتابخانه خارج

شوید (مونث) ۳- ای دوستان، این میز را حمل کنید (مذکر) ۴- ای دوستان، جواب دو سوال را بنویسید (مونث)



\* پاسخ تمرین سوم صفحه - ۴۵ ۱- پروردگارا همانا من به خودم ستم کردم پس مرا ببخش **فعل امر اِغْفِرْ**

۲- خداوند به موسی و هارون گفت: به سوی فرعون بروید. **فعل امر: اِذْهَبَا**

۳- پروردگارا ببخش و رحم کن و تو بهترین رحم کنندگان هستی. **فعل امر: اِغْفِرْ- اِرْحَمْ**

۴- کار نیکی انجام دهید همانا من به آنچه انجام دهید دانا هستم. **فعل امر: اِعْمَلُوا**

۵- و زمانی که به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده کنید پس سجده کردند بجز ابلیس. **فعل امر: اَسْجُدُوا**

\* پاسخ تمرین چهارم صفحه - ۴۶ ۱- ای دانشجویان، به بارش باران نگاه کنید(مذکر و مونث) ۲- ای دو دانش آموز، لباس های مناسب بپوشید. (مذکر و مونث)

\* پاسخ تمرین پنجم صفحه - ۴۶ ۱- هو الذی ..... ۲- اضافه است ۳- مکان للتعلیم ..... ۴- أخشاب مناسبة..... ۵- الشیء الذی ..... ۶- حَلُّ الصَّعَابِ .....

ترجمه (كَنْزُ الْحِكْمَةِ) صفحه - ۴۷ ۱- هیچ کاری مانند پژوهش نیست ۲- دانش ریشه هر خوبی و نادانی ریشه هر بدی است.

۳- دانش را بجوید اگر چه در چین، زیرا خواستن دانش واجب دینی است. ۴- خوبی دنیا و آخرت همراه با دانش است و بدی دنیا و آخرت همراه با نادانی است. ۵- دانا کسی نیست که خوب را از بد بشناسد بلکه عاقل کسی است که از دو بدی بهترین را بشناسد.

### الدرس الخامس (درس پنجم)

\* ترجمه متن: الرجاء: امید

كَانَتْ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ فِي غَابَةِ الْأَسَدِ وَ الثَّلَبِ وَ الذَّنْبِ وَ الْغَزَالَةِ وَ الْكَلْبِ وَ... گروهی از حیوانات در جنگلی بودند؛ شیر، روباه، گرگ، آهو، سگ و...

فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ جَاءَ سِتَّةُ صَيَّادِينَ وَ حَفَرُوا حُفْرَةً عَمِيقَةً ثُمَّ سَتَرُوهَا لِصَيْدِ الْحَيَوَانَاتِ وَ بَيَّعَهَا لِحَدِيقَةِ الْحَيَوَانَاتِ. در روزی از روزها شش شکارچی آمدند و چاله عمیقی کردند سپس آن را برای شکار حیوانات و فروش آنها به باغ وحش پوشاندند.

وَ قَعَّ ثَلَبٌ وَ غَزَالَةٌ فِي الْحُفْرَةِ بَغْتَةً؛ فَطَلَبَا مُسَاعَدَةً؛ رُوبَاهِي وَ آهُوِي نَاغَهَانَ دَر حَفْرَةِ افْتَادَنَد وَ كَمَكْ خَوَاسْتَنَد.

لَكِنَّ الْحَيَوَانَاتِ هَرَبْنَ لِأَنَّهِنَّ سَمِعْنَ مِنْ بَعِيدٍ أَصْوَاتَ الصَّيَّادِينَ. ولی حیوانات فرار کردند؛ زیرا از دور دست صداهای شکارچی ها را شنیدند..

حَاوَلَ الثَّلَبُ وَ الْغَزَالَةُ لِلنَّجَاةِ. رُوبَاهِ وَ آهُوِ بَرَاي نَجَاتِ تَلَاشْ كَرَدَنَد.